

نسخه ترامپ: سرکوب در خانه آشوب برای همسایه!

برگزیده است. او معتبرضان را آشوبگر می نامد، مقامات محلی را به تحریک شورش متهم می کند و نیروهای فدرال را «میهن پرست» می خواند. تناقض رفتاری ترامپ زمانی آشکارتر می شود که مواضع او درباره اغتشاشات ایران مورد توجه قرار گیرد. همان رئیس جمهوری که در قبال ناآرامی های ایران، آشکارا مردم را به خشونت، تصرف مراکز حساس و مقابله با حاکمیت دعوت می کرد، امروز در داخل کشور خود، هیچ گونه اعتراضی را تحمل نمی کند. او از اغتشاش در خارج حمایت می کند، اما اعتراض در داخل را با گلوله و بازداشت پاسخ می دهد.

برای ترامپ، اعتراض و حتی آشوب مشروع است اما وقتی که علیه رقبای ژئوپلیتیک آمریکا شکل بگیرد. زمانی که همان منطق اعتراض به خیابان های آمریکا می رسد، بلافاصله به شورش، تروریسم و تهدید امنیت ملی تعبیر می شود. دولت ترامپ هم زمان با بحران های متعددی مواجه است. شکاف های اجتماعی عمیق تر شده، بحران مهاجرت تشدید شده، نارضایتی اقتصادی گسترش یافته و اعتماد عمومی به نهادهای امنیتی کاهش پیدا کرده است. پاسخ کاخ سفید به همه این بحران ها یکسان بوده و بر پایه سرکوب، تهدید و اعمال زور استوار شده است.

حمایت بی قید و شرط ترامپ از نیروهای فدرال، حتی پس از انتشار شواهد تصویری قتل شهروندان، پیام روشنی به جامعه مخابره می‌کند. این پیام می‌گوید دولت می‌تواند از خشونت استفاده کند و خود را ملزم به پاسخ‌گویی نداند. وقتی یک سناتور آمریکایی از مردم می‌خواهد به چشم‌های خود اعتماد کند، به این معناست که شکاف میان واقعیت و روایت رسمی به مرحله‌ای خطرناک رسیده است. با این حال، ترامپ نه تنها عقب‌نشینی نمی‌کند، بلکه با تشدید حضور نیروهای فدرال، بحران را عمیق‌تر می‌سازد. او تنش را افزایش می‌دهد تا سرکوب را توجیه کند. آمریکایی‌ها که امروز اعتراض مسالمت‌آمیز را با سلاح پاسخ می‌دهد، نمی‌توانند مدعی دفاع از حقوق بشر در جهان باشند. رئیس‌جمهوری که در خارج از کشور خود، آشوب به راه می‌اندازد و مزدورانش دست به جنایت می‌زنند و در داخل کشور صدای اعتراض مردم خود را خفه می‌سازد و در عین حال خود را رئیس‌جمهور صلح می‌خواند و از اینکه جایزه نوبل صلح را نگرفته عصبانی است، بیماری خطرناک است که نیاز به درمان جدی دارد. ■

سرمقاله



است. دونالد ترامپ در مواجهه با اعتراض‌ها، به جای گفت‌وگو و کاهش تنش، راه تهدید را

این شرایط نه حاصل ناآرامی مردمی، بلکه نتیجه تصمیمات سیاسی در بالاترین سطح قدرت

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، با فتراها و کنشگری‌های خود، قواعد نیم‌بند نظام بین‌الملل را به سخره گرفته و آشکارا به زورگویی روی آورده است. او نه به دیپلماسی پایبند است و نه به اصول قانونی؛ بلکه با تهدید و قلدری می‌کوشد مسیر خود را تحمیل کند، روشی که معمولاً با واکنش‌های متقابل، به عقب‌نشینی منجر می‌شود. این رفتار تنها به سیاست خارجی محدود نیست؛ در داخل آمریکا نیز همین شیوه را در پیش گرفته و هر صدای مخالفی را سرکوب می‌کند. نهادهای داخلی، اعتراضات مدنی و حقوق شهروندی، برای او مانعی در مسیر تحقق مطامع شخصی به شمار می‌آیند.

روز روزه‌های گذشته، خیابان‌های برخی از شهرهای آمریکا به میدان جنگ تبدیل شده است. آنچه امروز در این کشور جریان دارد، دیگر یک بحران مقطعی امنیتی یا صرفاً یک چالش مهاجرتی محسوب نمی‌شود. آمریکا در دور دوم ریاست جمهوری دونالد ترامپ وارد مرحله‌ای شده است که باید آن را بحران حکمرانی نامید. البته روند این بحران از سال‌ها قبل آغاز شده بود. در این مرحله، خشونت دولتی به مبارزی معمول برای اعمال قدرت تبدیل شده و اعتراض مدنی به کنشی پرهزینه و خطرناک تبدیل شده است.

گشته شدن الکس پرتی، پرستار آمریکایی، توسط نیروهای فدرال مهاجرت در مینیاپولیس، صرفاً یک حادثه نیست، بلکه نماد سیاست آگاهانه ترامپ است. روایت کاخ سفید درباره مردی مسلح که بمأموران ناچار به دفاع از خود شده‌اند، با ویدیوها، اظهارات خانواده و سخنان سناتورها نهمخوانی ندارد. تصاویر نشان می‌دهد قربانی بی‌سلاح و بدون تهدید، مورد ضرب و شتم قرار گرفته و سپس به او شلیک شده است. دولت فدرال مسئولیت را نپذیرفته و مسیر انکار و روایت‌سازی را در پیش گرفته است. جلوگیری از تحقیق مستقل و حمایت بی‌قید و شرط از بمأموران، آشکار می‌کند که هدف ترامپ، کنترل فضا و ایجاد ترس است. معاون او نیز در اظهارنظری قابل تامل، این اعتراضات را «آشوب یهودی‌پسند» نامیده است.

میناپولیس در هفته‌های اخیر عملاً به شهری نظامی تبدیل شده است. حضور گسترده نیروهای فدرال، استفاده از گاز اشک‌آور و بمب‌های دودزا علیه تجمعات مسالمت‌آمیز و تهدید معترضان به بازداشت‌های گسترده، تصویری نگران‌کننده از وضعیت حقوق مدنی در آمریکا ترسیم می‌کند.

ت قهرمان ایران است.

ه عنوان یکی از شهروندان استان گلستان، تاپای
نقمام تمام شهدارا از این جنایتکار غاصب، از این

مزدور ترامپ قمارباز و سگ‌ها را منطقه، به‌حول و قوه الهی بگیرید. بنده با تمام وجود در خدمت شما عزیزان هستم. این باب جهادی که برای ما بازنشده، بنده از آن کامل استقبال می‌کنم.

پیام صوتی
یک هموطن ایرانی
خطاب به نیروهای
مسلح ایران



رادیونگار

استقلال؛ مفهومی که دیگر ساده نیست

<   محمدرضا اختریان
عضویت علمی دانشگاه تهران

جنگ ۱۲ روزه، تنها یک رویداد نظامی نبود؛ آزمونی بود برای سنجش حساسیت ملی و تاب آوری یک ملت بزرگ. در تاریخ ایران، تجربه های تلخ و شکست های مکرر هم بوده است، اما همین تاریخ نشان می دهد که مردم ما هرگز نسبت به هویت، دین، پرچم و تمامیت ارضی خود بی تفاوت نبوده اند. حق در سخت ترین لحظات، واکنش ها و همگرایی اجتماعی نشان می دهد که «ایران دوستی» در بطن جامعه زنده است. جنگ، تنها شروع یک مسیر بود؛ آزمون سخت تر، نگهداشتن امید و تقویت استقلال در شرایط واقعی و بلندمدت است. استقلال امروز دیگر یک مفهوم ساده نیست؛ وابسته به تاب آوری داخلی، قدرت اقتصادی، نفوذ منطقه ای و سازوکارهای بین المللی است. هر کدام از این مؤلفه ها اگر ضعیف شود، استقلال هم شکننده می شود. بنابراین باید این تجربه را به عنوان یک نقطه ی شروع برای بازسازی، تقویت و برنامه ریزی آینده نگاه کنیم. چون آزمون های بعدی، دشوارتر است و تنها با تداوم همگرایی، افزایش تاب آوری و تعریف معیارهای جدید استقلال، می توان از آن سر بلند بیرون آمد.

قَاب

کتاب سوزی آشوبگران تروریست

کتابخانه عمومی محمدیه شهرستان بروجن در استان چهارمحال و بختیاری شامل بیش از ۱۲ هزار نسخه کتاب شامل نسخ خطی نادر و فرهنگ‌های معتبر عربی و فارسی مراکز علمی جهان اسلام در بیروت، قاهره، نجف و بغداد بود که توسط آشوبگران به آتش کشیده شده و از بین رفت.



نیرنگ ایران

شخصیتی تمام ساحتی

❧ دکتر رزم پاگوشی پزشکی را روی میز می گذارد و می گوید: بابا محمد حسین دوست و همکارهای خیلی قدیمی بودیم، ۶۸ سال داشت. اهل فسای استان فارس بود. شخصیتی پرکار، نینفخته مطالعه و پژوهش که کتاب های متعدد درباره تاریخ پزشکی و مباحث دیگر نوشت. بیش از ۱۶۰ مقاله در حوزه های مختلف به زبان فارسی و انگلیسی در نشریات معتبر کشور به چاپ رساند. سردبیر نشریه علمی معتبر AIM و مجله آوای بوست انجمن گوش و حلق و بینی ایران بود. با قاطعیت می گویم که دکتر عزیزی کامل ترین شخص از نظر اخلاقی، علمی و فرهنگی بود. محمد حسین ۳۱ اردیبهشت عمل داشت. بصیت کرد: اگر از این عمل جراحی جان به در نبردم، دوست مادم پیکر ناچیزم را به دانشکده پزشکی تهران یا شیراز بدهند تا دانشجویان پزشکی از آن، علم تشریح بیاموزند و در صورت امکان از بافت های آن برای نیازمندان استفاده کنند. آن عمل سه خیر گذشت؛ ولی ۵۲ روز بعد در ۲۵ خرداد محمد حسین حوالی میدان تجریش به شهادت رسید.» شهادت دکتر محمد حسین عزیزی پزشک متخصص گوش و حلق و بینی عضو فرهنگستان علوم پزشکی فقدان بزرگی برای جامعه پزشکی ایران است.  سیده اعظم الشریعه موسوی